

بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال روسیه پس از انقلاب اسلامی (۱۹۹۷-۲۰۲۰)

معصومه محمدی^۱

چکیده

سیاست خارجی ایران و روسیه در طی دوره‌های مختلف از فراز و نشیب‌ها، چالش‌ها، فرصت‌ها و اتفاقات متفاوتی گذر کرده است و دستخوش نتایج متفاوتی در هر دوره زمانی بوده است. اما آنچه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حائز اهمیت می‌باشد سیاستی است که ایران را نه زیر سلطه غربی‌ها و نه اینکه فرصتی به روسها برای اینکه یک سلطه طلبی جدید در کشور ایران داشته باشند قرار داده است. سیاست اصولی ایران در ارتباط با روسیه و غربی‌ها در چهار دهه اخیر حفظ شعار نه شرقی و نه غربی می‌باشد که در قانون اساسی هم از آن به صراحت یاد شده، لذا استقلال کشور اولویت اصلی سیاست خارجی ج.ا.ا می‌باشد و ایران باید از اقتدار روسیه در جهت پیشبرد اهداف امنیتی- نظامی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه بهره جوید. بنابراین ایران مستقل و روسیه مقتدر که می‌تواند با حفظ و گسترش روابط خود، همکاری‌های قابل توجهی در جهت حفظ منافع داشته، از همه مهمتر دست تمامی کشورهای غربی و اروپایی که قصدی جز سودجویی و بهره‌مندی از منافع آنها را ندارند را قطع کنند. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه اخیر پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر چه اصول و بنیادهای استوار بوده و به چه دستاوردها و اهدافی رسیده است؟ یافته‌های این پژوهش نشان از تلاش‌های هر دو کشور در جهت عادی‌سازی روابط و گسترش و حفظ منافع و ارتقای جایگاه ایران در منطقه با توجه به سیاست‌های اعمالی در این دهه‌ها می‌باشد و از همه مهمتر ترسیم و پیشبرد آینده‌ای که در آن سطح همکاری‌ها به حداکثر رسیده و هر دو کشور در شرایط تحریم بتوانند رشد قابل توجهی در منطقه داشته و هدفی جز ایمن‌سازی منطقه نداشته باشند.

واژه‌گان کلیدی: سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی، روسیه.

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Masomehmohammadi90@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۴

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در عین این که یک پدیده داخلی و انقلابی درونی علیه دیکتاتوری و بی عدالتی بود، خیلی زود به یک موضوع بین‌المللی تبدیل شد که باعث چالش در ارتباطات میان ایران و همسایگان او گردید، چرا که انقلاب رخ داده عاملی در ایجاد هراس در میان بسیاری از کشورهای منطقه به وجود آورد و ترس از اسلام‌گرایی رفتارهایی متفاوتی را در میان همسایگان همجوار رقم زد. ایران خیلی زود توانست از طریق سیاست خارجی خود و گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی خویش اسلام‌هراسی و ترس از انقلاب را در کشورهای همسایه و منطقه از بین برده و شرایطی را جهت انجام همکاری‌های دوجانبه و یا چند جانبه پیش آورد. از جمله همسایگانی که با جمهوری اسلامی ایران به همکاری‌های مشترک برای به دست آوردن منافع مشترک اقدام نمودند می‌توان به همسایه شمالی روسیه اشاره نمود در دوران پس از انقلاب اسلامی و تبدیل شوروی به روسیه همکاری‌هایی در زمره نظامی-امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میان ایران و همسایه شمالی شکل گرفته است که اولین هدف هر کدام از آنها کسب منافع بیشتر جهت رفاه خویش است و از قبل این همکاری‌ها به امن‌سازی منطقه کمک شایانی شده است که این همکاری‌ها را می‌توان در سال‌های اخیر به عینه دید و مورد تحلیل قرار داد.

فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ شروع دوره جدیدی از تحولات در نظام بین‌الملل و سرنوشت حال و آتی کشورهایی بود که تحت تاثیر سیاست خارجی شوروی قرار داشتند. ایران نیز از این دایره مستثنا نبود و این تحول جهانی تأثیرات عمیقی بر روابط ایران و روسیه وارد ساخت. پیامد این تحول تغییر و دگرگونی در جایگاه، موقعیت، نقش و قدرت ملی کشورهای جهان بود. مسئله مهم نقطه شروع این تحول و به قدرت رسیدن انقلاب اسلامی در ایران است و با پرداختن به این موضوع که انقلاب اسلامی چه تأثیراتی در فروپاشی شوروی داشته و چه عواملی بعد از فروپاشی بر روابط ایران و روسیه در سال‌های پسا

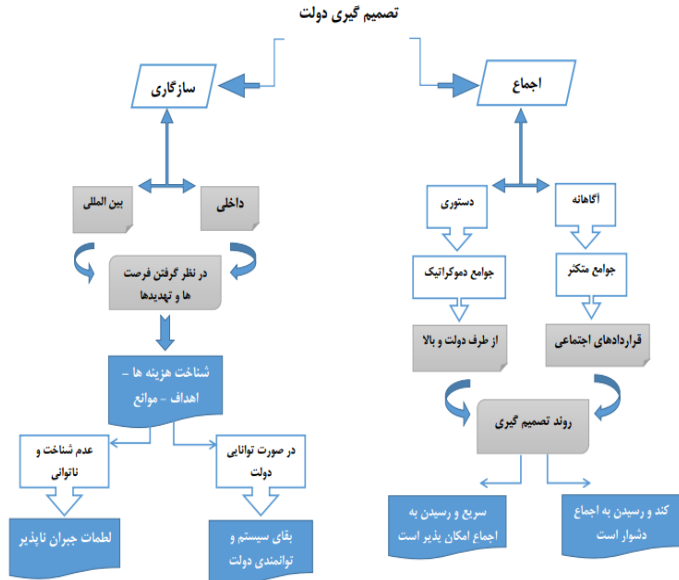
شوروی موثر بوده است و این دو کشور در این سال‌ها چه تاثیری را از نظام بین‌الملل دریافت کرده و چه تاثیری را بر نظم بین‌الملل گذاشته‌اند قابل‌تامل و بررسی می‌باشد. اما پرسش اصلی این مقاله آن است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه اخیر پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر چه اصول و بنیادهای استوار بوده و به چه دستاوردها و اهدافی رسیده است و ایده‌ای که نگارنده مطرح می‌کند و می‌کوشد تا آن را در خلال مباحث مورد بررسی قرار دهد آن است که هر دو کشور در پی همکاری‌های دو جانبه تا چه حد به اهداف خویش رسیده‌اند و اینکه جمهوری اسلامی ایران در پی همکاری‌های مشترک در چند دهه اخیر با روسیه به چه دستاوردهایی دست پیدا کرده است و چه سیاست‌گفتمانی و رفتاری را در جهت کسب همکاری‌های بیشتر در آینده در نظر گرفته و چه اولویتی در سیاست خارجی خود در قبال همسایه شمالی خود در نظر دارد. برای بررسی این ایده‌ها ابتدا به مفاهیمی که در غالب مبانی نظری و مدلی تحلیلی، پرداخته شده و پس از آن به نوع روابط میان ایران و همسایه شمالی در سالهای گذشته و تعاملات میان آنها پرداخته شده و در نتیجه مباحثی در خصوص چشم‌اندازها و گسترش همکاری‌های دو جانبه جهت ارتقا در منطقه ارائه شده است.

مبانی نظری

برای بررسی سیاست خارجی یک دولت در قبال دولت‌های دیگر در یک منطقه در ابتدا لازم است با مفاهیمی که در برگیرنده آن می‌شود آشنا شد و سپس به تحلیل مدلها و گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی پرداخت. در این بخش تلاش شده است که به سیاست خارجی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در قبال روسیه در برهه زمانی ۱۹۹۷ تا ۲۰۲۰ پرداخته شود. شایان ذکر است که، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا حال فراز و نشیب‌های گوناگون و دشواری‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است و از نظر موقعیت استراتژیک و جغرافیایی نقش بسزایی در سیاست

خارجی روسیه داشته است. در این رابطه به نظر می‌رسد، بررسی تئوری‌های گفت‌وگومانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در قبال روسیه جای تامل داشته و در درک و تحلیل شناخت سیاست خارجی ایران کمک شایانی را بنماید.

بنا به تعریف سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده تصمیم‌گیرندگان حکومتی که قصد و هدف نهایی آنها دستیابی به منافع ملی در محیط بین‌المللی می‌باشد و این تصمیمات می‌تواند عاملی در واکنش دیگر دولت‌ها داشته باشد. (مقتدر، ۱۳۵۸: ۱۳۲) تعریف‌های متفاوتی از سیاست خارجی و مدل تصمیم‌گیری وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به مدل قوام در اصول روابط بین‌الملل اشاره نمود، که به پنج دسته قابل تقسیم می‌باشد مدل عقلایی مدل رضایت بخش، مدل فزاینده، مدل بیش‌فوق‌العاده و مدل مختلط. (قوام، ۱۳۷۲: ۵۲-۵۷) به طور کلی برخی نظریه‌های تصمیم‌گیری را می‌توان به دو دسته‌های خرد و کلان تقسیم نمود که دیدگاه خرد را فقط بر نقش عوامل داخلی و دیدگاه کلان را نقش در محیط بین‌المللی در سیاست خارجی در نظر می‌گیرند. در حالی که باید تلفیقی از هر دو دیدگاه کلان و خرد را برای تبیین سیاست خارجی کشورها در نظر گرفت و تلفیق دیدگاه خرد و کلان با عنوان الگوی تلفیق اجماع و سازگاری به هر دو بعد این مسئله توجه نشان می‌دهد. (صادقی، ۱۳۹۷: ۱۱۶-۹۰)



شکل شماره ۲- تصمیم گیری دولت ها



شکل شماره ۱: مدل تصمیم گیری دولت ها (برگرفته از نظریه قوام)

الف- اجماع: در تصمیم‌گیری میان نخبگان و جریان‌های مختلف اختلاف نظراتی وجود دارد برای این که تصمیم‌گیری در سیاست خارجی با موفقیت همراه باشد باید اختلاف نظرها کاهش و همبستگی ایده‌ها گسترش پیدا کند، تا رسیدن به اهداف غیر ممکن نشود. (سلطانی، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۳) خود اجماع به دو دسته آگاهانه و اجماع دستوری تقسیم می‌شود که در فرآیند آگاهانه هیچ فرد، گروه یا نهادی حق تحمیل اراده خود بر دیگران را ندارد و ضمانت اجرای اجماعی توافقاتی است که در قالب قراردادهای اجتماعی تبلور می‌یابد. (اسکندری، ۱۳۷۷: ۲۶۳) و اما اجماع دستوری نوعی همگرایی است که در روند تصمیم‌گیری شکل می‌گیرد. از پایین و برآمده از مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد و گروه‌های اجتماعی نبوده و اجماع حاصله دستوری و از بالا خواهد بود. در این وضعیت دولت اصول مشخصی را بر اساس ارزش‌ها و باورهای اجتماعی قرار داده و بر آن تاکید می‌کند. (زندى رضوى، ۱۳۸۱: ۱۹۵) هانریدر معتقد است که، مهمترین مشکل در تصمیم‌گیری جوامع متکثر رسیدن به اجماع است که این خود عاملی در روند کندی اتخاذ تصمیمات می‌شود. در حالیکه در جوامع غیردموکراتیک و اقتدارگرا به دلیل محوریت افراد تصمیم‌گیرنده، رسیدن به اجماع آسان و روند اتخاذ تصمیم‌گیری سریع صورت می‌گیرد (Hanrieder, 1967:977)

به طور کلی اجماع آگاهانه را در جوامع متکثری می‌توان مورد بررسی قرار داد که قوانین داخلی و بین‌المللی آنها بر اساس قراردادهای اجتماعی توسط خود مردم و با مشارکت آنها وضع شده است، اشکالی که بر این جوامع وارد است به دلیل کندی در رسیدن به اجماع، تصمیمات به کندی اتخاذ و بطور قطع با دشواری‌هایی در اجرا مواجه می‌گردد و همین موضوع تاثیر بسزایی در سیاست داخلی و خارجی آن‌ها دارد. اما در جوامع دموکراتیک که اجماع دستوری در آن حاکم است تصمیمات اتخاذ شده از پایین و گروه‌های دیگر نمی‌باشد و تصمیمات اتخاذ شده از بالا است و از این رو به دلیل تک قطبی بودن و اقتدارگرا بودن در تصمیم‌گیری و دخالت نداشتن گروه یا فردی در

اتخاذ تصمیمات، اجماع و اجرای تصمیمات با سرعت بالاتری صورت می‌گیرد. که در این جوامع به دلیل در نظر نداشتن منافع عام، اختلاف نظرانی در سیاست داخلی و خارجی پیش می‌آید.

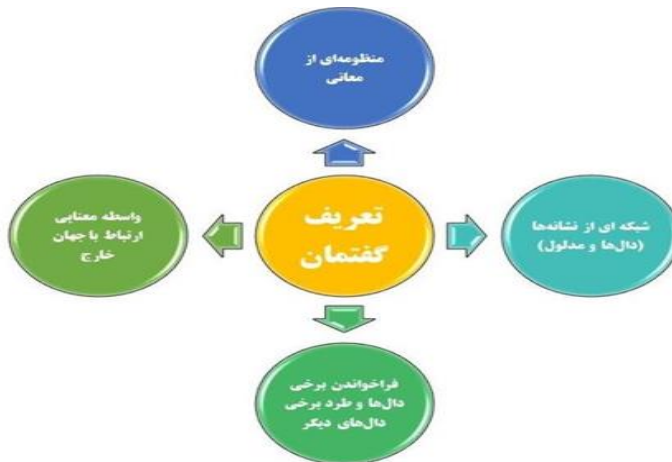
ب - سازگاری یا انطباق سازگاری: به معنای موافقت، سازش، الفت گرفتن و هماهنگی در نظر گرفته شده است. (معین، ۱۳۸۳: ۱۷۹۴) به عبارتی دیگر سازگاری توانایی سیستم‌ها به ادامه حیات و در کنار هم بودن بدون مشکل می‌باشد. (آقا بخشی، ۱۳۷۹: ۸) هر سیستم سیاسی که شامل بر محیط داخلی و محیط خارجی است، تقاضاهایی را از محیط اطراف خود دریافت کرده و به تبع آن فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای آن به وجود می‌آورد. هر کدام از این تقاضا می‌تواند هم باعث افزایش منافع و هم عاملی در جهت دستیابی به اهداف و دارای موانع و هزینه‌هایی باشد. شناخت دقیق این هزینه‌ها و فایده‌ها در نظام بین الملل و پاسخ مناسب به آن می‌تواند در حفظ بقای سیستم و توانمندی آن موثر باشد و در مقابل ناتوان بودن در شناخت هزینه‌ها و فایده‌ها و عدم پاسخ مناسب به آنها در بردارنده‌ی لطماتی جبران‌ناپذیر به سیستم می‌باشد. مجموعه این فرایندها در نظام بین الملل سازگاری و انطباق است و اما در نظریه انطباق اجماع و سازگاری در سیاست خارجی در بسیاری مواقع بین جهت‌گیری سیاست خارجی عناصر شکل‌دهنده سیاست داخلی کشورها همبستگی وجود دارد به عبارتی تحلیلی سیاست خارجی با عنایت بر عوامل بر هم پیوستگی دو عرصه داخلی و خارجی برای موفقیت در سیاست خارجی است که موفقیت در عرصه داخلی را اجماع و امکان‌پذیری در عرصه بین‌المللی را ناشی از سازگاری سیاست خارجی می‌داند. (سیف زاده، ۱۳۸۳: ۳۵۳)

نقش گفتمان بر سیاست خارجی

سیاست خارجی دولت‌ها بر گرفته از منافع ملی و رهگذر هویت دولت و گفتمان‌های آن تکوین می‌یابد. (کریمی، ۱۳۹۷: ۱۶۴) بر مبنای هویت دولت، گفتمان‌های سیاست

خارجی در هر عصر و دوره ای با توجه به موقعیت هر منطقه به وجود می‌آیند و گفتمان نظامی از ارزش‌ها و قواعدی است که در چارچوب مفهومی زبان می‌باشد که به شکل‌گیری منافع و انجام رفتارهای دولت حاکم است. (Larson, 1997:7-8) گفتمان‌ها تاثیر بسزایی در شکل‌گیری سیاست خارجی یک کشور با توجه به محیط و منطقه و حتی دولت دارند. (کرمی، ۱۳۹۷: ۱۶۴)

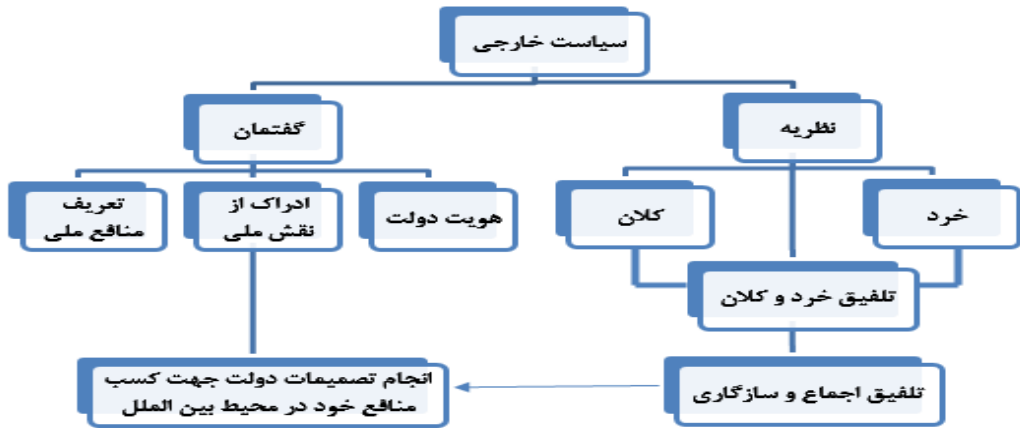
در نگاهی کلی می‌توان گفتمان‌های حاکم بر دولت‌ها را مجموعه‌ای از معانی دانست که دولت‌ها از ارتباط خود با نظام بین‌الملل تعریف و آن را به شکل منظومه‌ای مدون در جهت ارتباط با دیگر دولت‌ها تبیین می‌نمایند. که به واسطه این معانی با جهان خارجی خود ارتباط برقرار می‌نمایند.



شکل شماره ۳: تعریف گفتمان

تحلیل گران، گفتمان‌های حاکم بر روابط میان ایران و روسیه پس از انقلاب اسلامی را بر اساس گفتمان‌های ایدئولوژیک، فرهنگی، اصولگرایی، اعتدال‌گرایی و عمل‌گرایانه تبیین نموده‌اند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی در قبال روسیه بر پایه مبارزه با استکبار ستیزی، حمایت از مسلمانان و مستضعفان و رویکردی در جهت حفظ امنیت ملی و کسب منافع ملی در منطقه و در محیط بین‌الملل بوده است و تا

حال با فراز و فرودهای بسیاری مواجه گشته است. به باور هر کدام از تحلیلگران هر کدام از این گفتمان‌ها و رهیافت‌های نظری می‌توانند به توضیح ثبات مبانی و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه اخیر در رابطه با روسیه بپردازند. به طور کلی می‌توان گفت نظرات مختلفی در خصوص سیاست خارجی ایران و روسیه وجود دارد، در این پژوهش تلاش شده با رویکرد توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی دوره‌های روابط ایران و روسیه در چهار دهه اخیر و پرداختن به مسائلی که عاملی در جهت رشد و ارتقای همکاری‌ها و گسترش روابط دو جانبه، روابط منطقه‌ای و بین‌المللی گردد، پرداخته شود.



شکل شماره ۴: تاثیرات نظریه و گفتمان در سیاست خارجی

۱. ادوار سیاست خارجی ایران در قبال همسایه شمالی

یکی از متغیرهای موثر در شکل‌گیری خط‌مشی سیاست خارجی کشورها ویژگی ژئوپلتیک آنها است. به عبارت دیگر سیاست خارجی تا اندازه زیادی متأثر از محدودیت‌های ژئوپلتیک می‌باشد. اگرچه امروزه منافع ملی کشورها مهمترین معیار برای تصمیم‌گیری سیاست خارجی اقلمداد می‌شود، اما نباید فراموش کرد که منافع ملی واقع بینانه در ارتباط با ظرفیت اقدام دولتها تعریف می‌شود و یکی از اساسی‌ترین عوامل در تعیین توان ملی ژئوپلتیک دولت‌ها می‌باشد.

در واقع روابط سیاسی رسمی ایران با روسیه به دوره پتر کبیر در پایان قرن هفدهم میرسد. برای پتر کبیر ایران اهمیت بسزایی برای دستیابی به آبهای گرم داشت و این روابط در قرن هجدهم و نوزدهم به حدی رسید که یکی از مولفه‌های مهم در سیاست خارجی در ایران و مسکو به شمار می‌رفت. عوامل ایجاد و توسعه روابط میان ایران و مسکو را در پنج مولفه می‌توان خلاصه کرد، اتحاد علیه ترکان و خان کریمه، داغستان، گرجستان آسیای میانه و هندوستان. اولین سفیر ایران در روسیه به نام سید حسین در سال ۱۵۵۳ میلادی برای دیدار با ایوان چهارم عازم مسکو شد تا در خصوص این مسائل با تزار روسیه مذاکره نماید. (مجموعه مقالات، ۱۹۶۱: ۴۴۹) در روابط میان ایران و روسیه در دوره تزارها و همچنین کمونیست‌ها اتفاقات و فراز و نشیب‌های فراوانی پیش آمد، اما با به قدرت گرفتن حزب توده در ایران و جنگ جهانی دوم سایه سنگینی بر روابط شوروی و ایران حکمفرما شد. (ازغندی، ۱۳۷۶: ۲۲۵)

ایران از همسایگی با شوروی حوادث تلخ و شیرین بسیاری را تجربه کرده و یکی از آن تجربه‌ها از دست دادن آذربایجان در نبردهای ایران و روسیه در سالهای ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۲ و ۱۸۲۶ تا ۱۸۲۸ میلادی می‌باشد. مردم آذربایجان در این بازه زمانی در حاکمیت دو کشور روسیه تزاری و ایران قاجاری در می‌آیند. همه اینها آذربایجان را برای نزدیک به ۵۰۰ سال در محور شمال-جنوب قرار داده و از روابط آذربایجان با شرق (ترکستان)، غرب (گرجستان، ترکیه، اروپا) محروم کرده است. (حسینی پورو مجتهد زاده و کریمی پور، ۱۳۸۶: ۲۵۵-۲۱۳)

در جنگ جهانی دوم، انگلیس و شوروی با دواستراتژی متفاوت به سراغ ایران آمدند. آنها نخست بی‌طرفی ایران را پذیرفتند. اما پس از برهم خوردن معادلات جنگ و حمله آلمان به شوروی، اشغال ایران و تقویت جبهه‌های شوروی را به عنوان پلی برای پیروزی برگزیدند و بهانه آنها حضور آلمان‌ها در ایران بود. (گنج بخش زمانی، ۱۳۸۶: ۱۴۳) در ۲۵ شهریور نیروهای انگلیسی و شوروی از دو طرف به تهران رسیدند و ارتش

ایران فروپاشید و موجب استعفای شاه شد. از این تاریخ به بعد دوره جدیدی از روابط ایران و شوروی آغاز شد، بیشتر زمام امور کشور در دست روسها بود و بعد از امضای پیمان سه گانه ایران-روسیه-انگلیس در ۹ بهمن ۱۳۲۰ و اعلام بی طرفی ایران، دولت‌ها متفق شدند تا ظرف ۶ ماه ایران را تخلیه و خارج شوند. (امینی، ۱۳۸۱: ۷۱)

روابط ایران و شوروی در سال ۱۳۲۳ ش در پی درخواست شوروی برای کسب امتیاز نفت شمال تیره تر شد. در سال ۱۳۲۴-۲۵ به سبب خودداری اتحاد جماهیر شوروی از خروج نیروهایش از ایران این روابط سخت تر و بحرانی شد. (منتظری، ۱۳۹۳: ۱۷۱-۲۰۵) حمایت شوروی از جعفر پیشه وردی در آذربایجان در سال ۱۳۲۴ ش و تشکیل کمیته های محلی حزب توده در آذربایجان و پیوستن آنها به فرقه دموکرات های آذربایجان، طرفداری مطبوعات شوروی از این فرقه ها و تبلیغات ضد ایران و تشکیل حکومت خودمختار کردستان بوسیله قاضی محمد به تحریک روسها عواملی جهت تیره شدن و سخت شدن روابط ایران و همسایه شمالی گردید. (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۷)

پس از روی کار آمدن قوام السلطنه توانست با زیرکی خود توطئه های روسها را خنثی و سبب عادی سازی روابط با شوروی گردد. او با امضای توافقنامه ای در ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ معروف به قرارداد قوام-ساد چیکف امتیاز نفت شمال را مشروط به خروج نیروهای شوروی از کشور به روسها واگذار کرد و همچنین در این موافقتنامه در خصوص حل مسائل و مشکلات مرزی نیز به توافقاتی رسیدند و تایید این موافقتنامه منوط به تایید مجلس بود که این موافقتنامه در مجلس پانزدهم تایید نشد و با سرکوب جدایی طلبان خودمختار کردستان و آذربایجان قائل خاتمه یافت. (منتظری، ۱۳۹۳: ۲۰۳) با رد موافقتنامه روابط ایران و شوروی دوران بحرانی را آغاز نمود و شوروی بازرگانان خود در ایران را به حداقل کاهش داد خط کشتیرانی و باکو-انزلی را تعطیل و قسمتی از تاسیسات شیلات شمال را برچید و تبلیغات وسیع ضد ایرانی به راه انداخت. دولت ایران در ۱۵ بهمن ۱۳۲۶ اتهامات وارده را بی پایه و اساس و تبلیغات علیه ایران را محکوم کرد. دولت ایران نیز مدرسه و

انجمن فرهنگی ایران و شوروی در تهران را تعطیل کرد. روابط تجاری با شوروی به صفر رسید و درگیری‌های مرزی افزایش یافت. (ازغندی، ۱۳۸۷: ۱۵۷-۱۵۸)

در نیمه دوم سال ۱۳۲۷ با سوء قصد به جان شاه انگشت اتهام به سمت شوروی و حزب توده رفت و این حزب غیرقانونی اعلام شد. با سیاست رزم آرا سربازانی که در حمله شوروی به پایگاه‌های مرزی ایران در گرگان و آذربایجان صورت گرفته و اسیر شده بودند آزاد شدند و کمیسیون مشترک مرزی برای رفع اختلافات طرفین تشکیل شد. بر اساس توافقات صورت گرفته توسط رزم آرا روابط میان ایران و شوروی رو به بهبود روابط و مبادلات اقتصادی از سر گرفته شد و به بحران‌های میان دو کشور خاتمه داد. (ازغندی، ۱۳۸۷: ۱۵۹)

در دوران مصدق که با اندیشه ملی کردن صنعت نفت و کوتاه کردن دست روسها و انگلیسی‌ها از کشور بود و موازنه منفی را در پیش گرفته بود توانست با ملی کردن صنعت نفت به اهداف خود رسیده و دست روسها و انگلیس‌ها را از صنعت نفت ایران کوتاه نماید. (ایوانف، ۱۳۹۲: ۴۴۲)

سیاست خارجی ایران و شوروی در ماه‌های آخر دولت مصدق کمی دوستانه‌تر شد. پس از مرگ استالین رهبران جدید شوروی به گسترش روابط با ایران علاقه نشان می‌دادند و تجارت خارجی اهمیت ویژه‌ای یافت، اما با این حال مبادلات بازرگانی ایران کمتر از ۵٫۲٪ بود. (ازغندی، ۱۳۸۷: ۲۲۲-۲۲۶)

وقتی محاصره اقتصادی انگلیس رو به شدت نهاد، مصدق فروش نفت به شوروی و کشورهای بلوک شرق را در پیش گرفت و شوروی و بلوک شرق از خرید نفت ایران خودداری کردند و حفظ منافع خود را ارجحیت دادند. (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۸) به این ترتیب این روسها دلیل نمی‌دیدند که بر سر مسئله ایران خود را با ابرقدرت دیگری درگیر نمایند. (فونتن، ۱۳۶۶: ۱۷۸)

پس از کودتای ۲۸ مرداد روابط ایران و شوروی تابع روابط شرق و غرب بود. روابط با غرب گسترش و روابط با شرق رو به سردی و سیر نزولی گرفت و دچار فراز و نشیب‌هایی

شد. هرچند دولت شوروی تمام تلاش را جهت رفع اختلافات مرزی و مطالبات ایران داشت و این مذاکرات از زمان دکتر مصدق آغاز شد. تا اینکه در روزهای دهم و یازدهم خرداد ۱۳۳۴ شمسی شوروی حدود یازده تن طلای متعلق به ایران را در جلفا به نمایندگان ایران تحویل داد. (مهدوی، ۱۳۶۹: ۱۳۵) و همچنین موافقت نامه ای در خصوص حل مسائل و مشکلات مرزی در بیست و چهارم اردیبهشت ۱۳۳۰ شمسی در شش فصل و ۴۴ ماده در مسکو به امضا رسید. اما طولی نکشید که با عضویت ایران در پیمان بغداد در سال ۱۹۵۵ روابط ایران و شوروی رو به تیرگی گرایید و از پیوستن ایران به این پیمان سخت آزرده شد. (اندرزمانی، ۱۳۷۷: ۵-۶)

در پی اتفاقات مکرر در فاصله گرفتن در روابط میان ایران و شوروی سرانجام در سفر رسمی شاه به شوروی در ۴ تیر ۱۳۳۵ شمسی آنها و انجام توافقات حاصله میان آنها و اعطای امتیازات از سوی ایران و قول مساعدت شوروی در انجام مبادلات اقتصادی، موافقتنامه ای در چهاردهم شهریور ۱۳۳۵ شمسی در تهران به امضا رسید که حجم مبادلات دو کشور را به یک میلیارد ریال افزایش داد. (امینی، ۱۳۸۱: ۱۷۰-۱۷۳)

بعد از روی کار آمدن خروشچف اوسیاست نزدیک شدن به ایران را در پیش گرفت و برای افزایش توان نظامی خود به منظور رقابت با ابرقدرت غرب کوشید تا کشورهای جهان سومی همچون ایران را به سوی خود جذب کند. (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۸)

بعد از علی امینی کابینه علم درصدد عادی کردن روابط با مسکو کوشش های بسیاری انجام داد. از این رو مذاکراتی را در مرداد ۱۳۴۱ شمسی آغاز و در بیست و چهارم شهریور همان سال ایران با ارسال یادداشتی به شوروی اطمینان داد که هیچ کشوری حق داشتن هیچ گونه پایگاه موشکی در خاک ایران را نخواهد داشت و این یادداشت موفقیتی در مذاکرات تلقی شد. (مهدوی، ۱۳۸۰: ۳۲۸)

با شروع شدن جنگ سرد میان دو قطب جهان شوروی و آمریکا شرایط برای عادی شدن روابط تهران و مسکو اعلام شد و تهران آمادگی مذاکره با شوروی را پیدا کرد.

شوروی با موافقت انقلاب سفید شاه و حمایت از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شمس‌الجانب شاه را گرفت و این عوامل مرحله‌ای در گسترش همکاری‌های فنی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی دو کشور شد. (عطارزاده، ۱۳۷۸: ۱۷۹) به طور کلی روابط ایران و شوروی در دو دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۴۰ کاملاً بی‌عیب و نقص توأم با پیوندهای دیپلماتیک گرم و دوستانه بوده و در بسیاری زمینه‌ها میان دو کشور همکاری وجود داشته است. (فولر، ۱۳۷۳: ۱۸۷)

۲. بازتاب انقلاب اسلامی در شوروی سابق

انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله علیه و همت ملت قهرمان ایران بازتاب‌های فراکثوری و بین‌المللی فراوانی از خود به جای گذاشت و توانست نظام بین‌الملل را تحت الشعاع خود قرار داده و نوع تفکر و نگرش بسیاری از کشورهای منطقه را نسبت به جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد و آنها را متمایل به نزدیکی و همکاری بیشتر نماید. همچنین انقلاب اسلامی تأثیرات بسزایی در تحولات بین‌المللی داشته که از جمله آنها می‌توان به فروپاشی پیمان استراتژیک ستو، فروپاشی نظام ژئوپلیتیکی دو قطبی حاکم بر جهان، فروپاشی کمونیسم، گسترش قلمرو جغرافیای اسلام، بازخیزی نهضت‌های دینی و مذهبی دیگر و اقتدار شکنی قدرت‌ها اشاره نمود. اما توضیح در خصوص هر کدام از آنها نیاز به مجال بیشتری را می‌طلبد که با توجه به فراخور پژوهش حاضرنگاهی اجمالی به هر کدام از این عوامل در تاریخ روابط میان ایران و شوروی پس از انقلاب اسلامی بستنده شده است. پس از انقلاب اسلامی، شوروی نخستین کشوری بود که خواست با حکومت تازه ایران روابط خوبی برقرار سازد، چون به هر حال چهره ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی انقلاب بسیار بارز بود. (ملکی، ۱۳۷۹: ۱۹) در خصوص بازتاب انقلاب اسلامی در قلمرو شوروی که متشکل از پانزده جمهوری و در پنج بخش، آسیای مرکزی، قفقاز، فدراسیون روسیه، شرق اروپا و بالتیک بود می‌توان گفت که شوروی حساس‌ترین و مهم‌ترین همسایه شمالی ایران که انقلاب اسلامی توانست تأثیرات عمده‌ای در بخش‌های مختلف این

قلمرو داشته باشد. پیروزی انقلاب امنیت داخلی و منافع جهانی این کشور را تحت الشعاع قرار داد، فکر های انقلابی از دیوارهای آهنین شوروی با وجود کنترل های شدید امنیتی به داخل جمهوری های مسلمان نشین اتحاد شوروی رسید و توانست با تغییر ایدئولوژی و ماهیت حرکت های انقلابی در جهان اسلام که بسیاری از آنها کمونیستی بودند و به شوروی گرایش داشتند نفوذ بین المللی این کشور را تضعیف کرده و عاملی در جهت فروپاشی اتحاد شوروی گردد. (خواجه سروری، نجات پور، محمدی فر، ۱۳۹۱: ۱۴۱) بنا بر گفته لئونید برژنف، صدر هیئت رئیسه اتحاد شوروی، هنگام اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ، به گسترش امواج انقلابی در مرزهای جنوبی این کشور اشاره کرده بود، مقاومت سرسختانه مردم افغانستان در مقابل این هجوم که با جهاد با کفار خوانده می شد، در کنار دلایل دیگر، با حمایت ایران و الهام از انقلاب اسلامی صورت گرفت و شکست روس ها در افغانستان در فروپاشی اتحاد شوروی تاثیر داشت. (همان، ۱۳۹۱: ۱۳۵-۱۶۰)

علی رغم مقابله شوروی با نفوذ افکار آرمانی انقلاب اسلامی ایران به داخل مرزهای کشورش، تجدید حیات اسلام و تغییرات عملی آنها به اسلام باعث نفوذ بیشتر اسلام در داخل مناطق مسلمان نشین شوروی شد. انقلاب اسلامی برای آنها یکسری جذابیت هایی را داشت که منافع شوروی را به خطر می انداخت که از جمله آنها می توان به وجهه ضدامپریالیستی انقلاب اسلامی، ماهیت مردمی و عده های کنار نهادن دیوانسالاری فاسد کهن و روی کار آمدن نسل جدید از رهبران جوان مردمی اشاره نمود. حضور مردم در مساجد و تبدیل امام خمینی به سمبل سیاسی در منطقه باعث شد تا سیاستمداران شوروی همواره احساس نگرانی و ترس خود را نسبت به رسوخ اسلام سیاسی، پیامدی گزیر ناپذیر که سعی در دور نگه داشتن حداقل ممکن مناطق مسلمان نشین اتحاد شوروی از ایران را بنماید. (طاهری، ۱۳۸۷)

با تمام سیاست های اعمال شده از شوروی جهت دور نگه داشتن جمهوری ها و کشورهای تحت سیطره خود از ایران و وقایع انقلابی باز هم راههای نفوذ بر تاثیرات

انقلاب اسلامی در خارج مرزهای آن بسته نشد و انقلاب اسلامی توانست بر کشورهای تحت سیطره شوروی سابق تاثیرات فراوانی بگذارد. از جمله آنها در آسیای مرکزی کشورهایی مانند تاجیکستان و ازبکستان بود که بی نصیب از انقلاب نمانده و تحرکاتی در آنها به وقوع پیوست. هرچند چریک‌های وهابی تحت تاثیر حرکت طالبان حضور داشتند. (فراتی، ۱۳۷۹: ۹۴)

در قفقاز نیز که تحت حاکمیت شوروی بود و جمهوری‌های مسلمان‌نشینان که شامل داغستان، چچن، بالکاریا و اوستیای شمالی که سابقه طولانی در مخالفت با شوروی را دارا بودند و چه در قفقاز جنوبی (جمهوری آذربایجان) انقلاب عاملی در جهت حرکت‌های انقلابی و بازتاب‌هایی گردید. (گامر و دیگران، ۱۳۷۷)

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شوروی نه تنها به مدد پیروزی بر آلمان، توانست اروپای شرقی را در سیطره‌های نظامی و سیاسی خود در آورد بلکه با تداوم حضور نیروهایش در ایران نیز می‌کشید تا مناطقی از ایران را نیز در تصرف خود در آورده و بر آن حکمرانی نماید. (کرمی، ۱۳۹۷: ۱۵۹-۲۰۰) در دوره‌های قبل در حکمرانی دیگر فراوانروایان، توانسته بود مناطقی همچون قفقاز و آذربایجان را از آن خود کرده و در فکر نفوذ بیشتر و تصرف مناطق بیشتری را در سر داشت. خاطرات و اتفاقات تلخی که در دوره‌های متفاوت جزء ذهنیت منفی مردم ایران نسبت به همسایه شمالی شده بود.

در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) که جنگ ایران و عراق شروع شد. ایران شوروی را حامی عراق در جنگ می‌دانست و همین عاملی در تیره شدن روابط میان ایران و شوروی شد، تا اینکه سرانجام مذاکراتی در سطح کارشناسی در سال ۱۹۸۶ برای بهبود روابط میان ایران و روسیه پیش کشیده شد و اولین مقام روس، معاون وزارت خارجه شوروی کورنیکو از ایران دیدار کرد. در سال ۱۹۸۷ شوروی درخواست خرید گاز بیشتری را از ایران مطرح و ایران با پذیرش این طرح مجدداً شوروی را در کنار خود دید. شوروی در سالهای ۱۹۸۷ تحریم‌های یکجانبه آمریکا بر علیه ایران را رد و به مخالفت با

آن پرداخت و بعد از پایان یافتن جنگ ایران و عراق در ۲۰ اوت ۱۹۸۸ رابطه بیشتری با ایران برقرار کرد. در سال ۱۹۸۹ اتفاق بزرگی در مناسبات دیپلماتیک ایران و شوروی اتفاق افتاد و آن نامه حضرت امام خمینی رحمت الله به گورباچف بود. پس از آن دکتر ولایتی، مقدمات سفر آقای هاشمی رفسنجانی که در آن زمان سخنگوی مجلس بودند را به مسکو فراهم کردند. این سفر مهم ترین سفر یک مقام ایرانی بعد از انقلاب اسلامی به مسکو بود و پایه گذار روابط جدید ایران و شوروی را به وجود آورد. (ملکی، ۱۳۷۹: ۱۹-۳۰)

از جمله عواملی موثر در این دهه که باعث نزدیکی روابط ایران و شوروی شد را می توان در چند واقعه بیان نمود:

- ۱- هم صدا و هم رای بودن ایران و شوروی در اوت ۱۹۹۰ در مخالفت با آمریکا برای به کارگیری نیروهای دیگر در حمله به نیروهای عراقی در جنگ میان عراق به کویت.
- ۲- مخالفت ایران برای هم صدا شدن با مخالفان گر با چف در اوت ۱۹۹۱.
- ۳- سفر پریماکوف به ایران در سپتامبر ۱۹۹۱ و خواستار همکاری های مشترک بیشتر میان ایران و شوروی.
- ۴- سفر آقای ولایتی در نوامبر ۱۹۹۱ به مسکو و بستن دو قرارداد دوستی و همکاری میان طرفین.

دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم
سیاست مقابله	سیاست احتیاط	سیاست کم اهمیت کردن مساله	سیاست تاکید بر بعد حقوقی مساله
لغو قرارداد ۱۹۲۱ از جانب ایران	استفاده درست و محتاطانه ایران از حق مشاع خود از دریای خزر و حفظ فاصله و تحریک نکردن روسیه	وجود منابع نفت و گاز فراوان در قسمت شمالی ایران اما کم اهمیت کردن مساله برای از بین بردن و قرار ندادن حساسیت در شوروی	در نظر گرفتن مسائل حقوقی برای هر چه کمتر بهانه دادن به دست شوروی و در نظر گرفتن هر چه بیشتر منافع دولت ایران

جدول شماره ۱: سیاست های خارجی ایران در قبال شوروی در طی دوره های متفاوت

۳- تاثیر فروپاشی شوروی بر روابط ایران و روسیه

رابطه ایران و روسیه یکی از بحث برانگیزترین بخش از روابط خارجی ایران است و این بحث چه در داخل ایران و چه در خارج نشان می‌دهد که روابط دو کشور چقدر حساس است. (شوری، ۱۳۹۵: نشست ایراس) اکنون که حدود ۲۵ سال از فروپاشی شوروی گذشته است، ایران از یک تهدید وجودی دور شده است. این نکته را مورد توجه است که با از بین رفتن این تهدید وجودی، اولین گام برای قدرتمندی منطقه ای ایران ایجاد شده است. (کرمی، ۱۳۹۵: نشست ایراس)

پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز تحولات سیاسی و دگرگونی‌هایی در ژئوپلیتیک منطقه به وجود آمد و سیاست خارجی را تحت تاثیر خود قرار داد. همین موضوع عاملی در تغییر روابط میان ایران و روسیه و ابعاد متفاوتی در سیاست‌های خارجی و راهبردی ایران داشت. این تغییرات نه تنها تأثیرات اساسی در نگرش ایران با روابط خود با روسیه داشت، بلکه بر سایر مناطق و حتی در سطح جهانی نیز تاثیر گذاشته بود. نوع روابط ایران با روسیه پس از فروپاشی شوروی به گفتمان ایدئولوژیک و پس از سال‌های نخست انقلاب به گفتمان ژئوپلیتیک ادامه یافت. آن چیزی که در حفظ این گفتمان در طی این سال‌ها و دهه‌ها موثر بوده حفظ آرامش و امنیت منطقه‌ای است چرا که بدون پیوستگی ژئوپلیتیکی میان ایران و منطقه ثبات در این عرصه آسیب پذیر خواهد بود. (Yuldasheva, 2008:13)

ایران پس از فروپاشی شوروی به جای یک ابرقدرت با دست کم ۵ کشور در همسایگی خود مواجه شده است که تهدیدها و فرصت‌هایی را برای ایران داشته است. فروپاشی شوروی باعث شد تا ما از نظر امنیتی با فراغ‌بال بیشتری مواجه باشیم. با این حال باید تاکید کرد که ایران ۲۵ سال پس از فروپاشی شوروی به دلایل مختلفی نظیر مخالفت قدرت‌های منطقه ای و فرمانطقه ای نتوانسته است روابط مساعدی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز

داشته باشد. به عبارت دیگر فقط کم کاری ایارن نبوده است که باعث عدم حضور ایران در منطقه شده است بلکه مخالفت با حضور ایران عامل مهم بوده است. (زندى، ۱۳۹۵)

پس از فروپاشی شوروی تنها جنبه حفظ منافع ملی حیاتی مانند استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی به تنها از طریق نظام بین الملل و قواعد آن حفظ می شد توجه می کرد. (هرنریک، ۱۳۸۳: ۲۳۸) با توجه به نگرش ایدئولوژیک که ایران پس از فروپاشی شوروی در منطقه در پیش گرفته بود نتوانست به اهدافی چون گسترش روابط با کشورهای منطقه، نقش آفرینی محوری در منطقه، حفظ ثبات و امنیت در منطقه، جلوگیری از نفوذ قدرت های رقیب و تقویت مولفه های فرهنگی و تمدنی ایرانی-اسلامی بپردازد و به تغییر در سیاست عملگرایانه واقع گرایانه و تغییر گفتمان ایدئولوژیک به ژئوپلیتیک پرداخت.

دولت جمهوری اسلامی در راستای تحقق اهداف و منافع از روزهای نخست استقلال جمهوری های سابق شوروی توجه ویژه ای به منطقه داشت و ستادی فعال را جهت این منظور طراحی نمود. مهم ترین دغدغه خود را بروابط تجاری دوجانبه، همکاری های منطقه ای-اقتصادی-نهادی-منطقه ای و مشارکت در طرح های حمل و نقل و انرژی را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داد. (افشردی، ۱۳۸۶: ۷)

پس از فروپاشی شوروی، تحولات عمیقی در روابط ایران با همسایه شمالی خود به وجود آمد و باعث شکل گیری مرحله نوینی در سیاست خارجی ایران شد. همسایگان شمالی ایران به لحاظ تعداد افزایش یافتند و در حالیکه بسیاری از کشورهای کوچک استقلال خود را به عنوان کشوری مستقل اعلام داشته اند، روسیه همچنان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را حوزه امنیتی خود محسوب می نماید و با حضور سیاسی-نظامی-اقتصادی خود را، در منطقه حفظ کرده است. از جمله تاثیرات روابط ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی می توان به حضور روسیه در منطقه اشاره نمود که با حضور خود، مانع نفوذ و قدرت یابی کشورهای فرامنطقه ای چون اسرائیل، ترکیه، ناتو و آمریکا شده است. و این مسئله از دیدگاه امنیت ملی ایران دارای اهمیت و ارزش می باشد. از دیگر نکات موثر بر

روابط میان ایران و شوروی پس از فروپاشی شوروی علاقه مند بودن روسیه به برتری اقتصادی خود در منطقه می‌باشد و برای رسیدن به این هدف سعی در منطبق ساختن رژیم حقوقی دریای خزر در برابر شکل دهی به خواسته‌ها و منافع خویش است که با اهداف و منافع اقتصادی ایران در تعارض می‌باشد. از طرفی با امنیت ملی ایران در تقابل است. از طرفی همکاری‌های نظامی دو کشور و فرصت‌سازی از جانب روسیه برای ایران برای افزایش اقتدار نظامی و امتیازات سیاسی و اقتصادی که در سطح منطقه فراهم نموده است، عاملی در جهت نزدیکی بیشتر دو کشور و همکاری ایران و روسیه در مسائل منطقه‌ای شده است. با دور شدن روسیه از مرزهای ایران کانون تهدیدهای شوروی نسبت به ایران در سراسر آسیای تند اضمحلال قرار گرفت. البته سقوط و تجزیه به نوعی باعث انتقال منابع دیرین مشاجره ایران و روسیه به کشورهای نوپای کنونی شده است و با دور شدن از موقعیت جغرافیایی از ایران در واقع بخش عمده منابع تنش‌های قدیمی خود را به دولت ملت‌های جدید منتقل کرده است. عامل بعدی مرتفع شدن تهدیدهای ایدئولوژیکی روسیه نسبت به ایران می‌باشد. کمونیستی نبودن روسیه و عملاً ایدئولوژی کمونیسم به عنوان یک اندیشه مدعی جهان وطنی از میان رفت و تهدیدهای نظامی روسیه علیه ایران که در دوره‌های مختلف قسمت‌هایی از سرزمین ایران را مورد هجوم و اشغال خود قرار داده بود با تشکیل فدراسیون روسیه به فرصت و همکاری‌های دوجانبه تبدیل گشته است. (نظامی پور، ۱۳۸۲: ۳۲-۱)

۴- آسیب‌شناسی فرصت‌ها و چالش‌های همکاری و همگرایی در روابط ایران و روسیه

روابط ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی متأثر از فضای سیاسی از اواخر دهه ۱۹۸۰ قرار داشت. در این دوران هیچ‌گونه نشانه‌ای از تعادل و ثبات در سیاست خارجی روسیه دیده نمی‌شد. سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹ سطح همکاری‌های دو کشور در شرایط

کاملاً ناپایداری قرار گرفت و از سال ۲۰۰۰ به بعد، از به قدرت رسیدن پوتین در روسیه بر اساس نیازهای امنیتی - نظامی شکل جدیدی به خود گرفت. روابط ایران و روسیه در سال‌های ۲۰۰۰ به بعد بر اساس دکترین مبارزه با تروریسم و جنگ پیش‌دستانه سازماندهی شد. به طور کلی روسیه مخالف افزایش قدرت ایدئولوژیکی ایران در خاورمیانه بود و از دیگر دغدغه‌های روسیه نسبت به ایران را می‌توان مربوط به نیروگاه‌های بوشهر دانست. مقامات روسیه نگران موقعیت هسته‌ای ایران بودند و به همین دلیل در آن برهه زمانی با سیاست‌های غرب در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران هماهنگی نشان دادند.

بعد از روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰ از مهم‌ترین دغدغه‌های او، امنیت نظامی، تهدیدات خارجی و تهدیدات داخلی بود. با توجه به این موضوع روسیه دیگر همکاری با غرب را برای مقابله با این تهدیدات مناسب و چاره‌ساز نمی‌دانست، این رویدادها در روسیه مصادف با به قدرت رسیدن اصلاح‌طلبان و روی کار آمدن سید محمد خاتمی ریاست جمهوری بود.

سفر آقای محمد خاتمی رئیس جمهوری ایران به مسکو در سال ۲۰۰۱ آغازی بر دور جدید توافق‌های تهران - مسکو بود. هر دو طرف، آشکارا انگیزه‌ها و اهداف کافی برای توسعه مناسبات دوجانبه داشتند. برخلاف نخستین دهه پس از استقلال روسیه که رویکرد غرب‌گرایانه بر سیاست خارجی این کشور حاکم بود، در پرتو حاکمیت‌نگرش اوراسیا‌گرایانه بر مسکو، توسعه روابط روسیه با جمهوری اسلامی ایران هدف قرار گرفت. بهبود بهای انرژی همچنانکه درآمد روسیه را افزایش داده بود، شرایط اقتصادی ایران را نیز بهبود بخشیده بود و از نظر روسها احیای روابط تسلیحاتی می‌توانست منبع درآمد جدید روسیه باشد. ایران پس از هند و چین سومین واردکننده سلاح از روسیه برآورد می‌شد. ضمن اینکه توسعه روابط نظامی با تهران می‌توانست ظرفیتهای مناسبی برای چانه زنی مسکو با واشنگتن در بر داشته باشد. (کولایی، ۱۳۸۴: ۱۲۵)

از سال ۲۰۰۰ به بعد با توجه به رفتارهای دیپلماتیک طرفین روابط رو به بهبود نهاد و تاثیراتی چون رد توافق گورچرنومردین توسط روسیه و فروش سلاح به ایران و تکمیل نیروگاه بوشهر در الویت برنامه‌ها قرار گرفت. بعد از حمله‌ی تروریستی به آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ عاملی در جهت نزدیک‌تر شدن روابط میان ایران و روسیه گردید. سیاست عمل‌گرایانه پوتین نقطه مثبتی نسبت به سیاست خارجی گورباچف و یلتسین در قبال ایران بود. او توانست سیاست خارجی خود را با توجه به خواسته‌ها و نیازهای داخلی و خارجی و با در نظر گرفتن امکانات موجود تنظیم نماید.

در همان حال رابطه ایالات متحده و روسیه با لغو توافق از سوی آمریکا و گسترش ناتو به سوی کشورهای حوزه بالتیک ۱ ضد موشک‌های بالستیک بدتر شده بود. درک خطر مشترک (گسترش ناتو به شرق) از سوی ایران و روسیه عامل دیگری جهت همکاری و نزدیکی تهران-مسکو شده بود. برای تهران نیز دسترسی به تکنولوژی نظامی روسیه و توانمندی موشکی ایران، می‌توانست مانع تهدیدهای روزافزون غرب علیه تهران به بهانه مسأله هسته‌ای شدن و به کسب اعتبار منطقی‌های ایران کمک کند. با آغاز دور جدید معاملات نظامی ایران و روسیه در اولین گام، یک قرار داد ۸ میلیون دلاری بین شرکت روس آبرون اکسپورت و ایران بسته شد. در دوم اکتبر ۲۰۰۱ روسیه ایران موافقتنامه‌های را امضاء کردند که این کشور به ایران سالانه تا سقف ۱۲۲ میلیون دلار تسلیحات متعارف بفروشد. از نگاه مسکو بازار ایران ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای واردات تسلیحات متعارف روسیه دارد که یکی از منابع مهم ارزی این کشور است. از جمله عوامل توسعه روابط دو کشور این بوده که در پی خودداری آمریکا از تجارت با ایران، مسکو یک مشتری آماده را برای تسلیحات و همچنین دانش هسته‌ای خود یافته است. در موضوع برنامه هسته‌ای ایران، هرچند مسکو خود را به طور کامل به اصول عدم گسترش هسته‌ای پایبند میدانند، اما رویکرد آمریکا نسبت به ایران را رد می‌کند. بدین ترتیب در سال ۲۰۰۱ سطح تجارت روسیه با ایران به حدود ۱/۴ میلیارد دلار رسید. مسکو بدین ترتیب توانست ایالات متحده

را متقاعد کند که برای منحرف کردن روسیه باید به روش مسالمت آمیزتری روی بیاورد، از این رو واشنگتن نیز ضمن موافقت با پیوستن روسیه به گروه کشورهای صنعتی، علاوه بر اختصاص کمک ۲۲ میلیون دلاری به روسیه برای از کار انداختن تجهیزات نظامی باقیمانده از اتحاد شوروی، وعده یک کمک ۱۲ میلیون دلاری نیز به مسکو داد. اما روسیه به دلیل متعدد بی اعتمادی به آمریکا و تعهدهای حقوقی به ایران نسبت به این معامله با ایالات متحده بیمیل بود. منافع اقتصادی در معامله با ایران و ضرورت پیگیری سیاست مستقل در آستانه انتخابات دوما و ریاست جمهوری آشکار بود، اما از سوی دیگر، مسکو در مورد حمله نظامی احتمالی ایالات متحده و اسرائیل به راکتور هسته‌های بوشهر نگران بود. در این زمان مسأله وقتی پیچیده تر شد که ماهواره‌ها نشان دادند ایران علاوه بر راکتور هسته‌های بوشهر در حال ساخت تجهیزات هسته‌های دیگری در نزدیکی نطنز و یک نیروگاه آب سنگین در نزدیکی اراک است. البته در این دوره اختلافی هم میان دو کشور وجود داشت. با فروپاشی اتحاد شوروی، دیگر فقط موضوع دو کشور ایران و اتحاد شوروی در دریای خزر مطرح نبود. در پی تجزیه اتحاد شوروی، شمار همسایگان ایران در دریای خزر به چهار کشور افزایش یافته بود که در مورد چگونگی تقسیم دریای خزر و بهره‌برداری از ذخایر نفتی آن با یکدیگر اختلاف داشتند. هر چند ایران و روسیه در نخستین سالهای پس از فروپاشی بر اعتبار قراردادهای ۱۹۲۱ و فراز و فرود ایران و روسیه ۱۹۴۰ تأکید داشتند، اما به زودی مسأله رژیم حقوقی دریای خزر و بهره‌گیری از منابع گوناگون این دریاچه، به یکی از جدیترین اختلافهای روسیه و ایران تبدیل شد. روسیه از سال ۱۹۹۸ به تقسیم دریای خزر و بستن قرارداد دوجانبه ابتدا با قزاقستان در ژوئیه ۱۹۹۸ با جمهوری آذربایجان روی آورد (کولایی، ۱۳۸۴: ۴۶).

در دیدار آقای خاتمی و پوتین در مسکو، بار دیگر موضوع دریای خزر در روابط دو کشور مطرح شد. ایران مخالف توافق روسیه قزاقستان در ژوئیه ۱۹۹۸ بود و خواستار تقسیم برابر منابع دریایی شد. در سال ۲۰۰۲ توافق سه جانبه روسیه با جمهوری آذربایجان و

قزاقستان امضا شد (کولایی و علیزاده، ۱۳۹۵). در اولین نشست رهبران کشورهای ساحلی خزر در آوریل ۲۰۰۲ که با حضور خاتمی و پوتین در جمهوری ترکمنستان برگزار شده بود، هیچ توافق حاصل نشد. اما با وجود تلاشهای ایالات متحده که در جهت توسعه خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیحان و خط لوله گاز باکو - تفلیس ارضروم بود. همزمان مسکو و تهران نگران گرایش گرجستان و جمهوری آذربایجان برای همکاری نزدیک و بیشتر با ناتو بودند، ایران و روسیه چاره‌های جز هماهنگی در سیاستهای خود در این منطقه و یا به عبارت دیگر مدارای مسکو و تهران در این منطقه نداشتند. در سال ۲۰۰۱ با اقدام قاطع و سریع ایران، تلاش شرکت نفت انگلیس برای اکتشاف نفت به سفارش جمهوری آذربایجان در بخشی از دریای خزر که ایران مدعی آن بود، متوقف شد. در اوت ۲۰۰۲ مسکو قرارداد خرید گاز طبیعی از ترکمنستان را نهایی کرد (کولایی و گودرزی، ۱۱۶۲). برای روسیه با توجه به تلاشهای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، جهتگیریها و سیاستهای ایران بسیار مهم بوده است (Kasting and Fite, 2012:33).

نشست سران کشورهای حاشیه خزر در تهران در اکتبر ۲۰۰۷ و دیدار پوتین رئیس جمهور روسیه با آیت الله سید علی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی ایران افقهای جدیدی از همکاری دو جانبه و منطقه‌ای را در آسیای مرکزی برای دو طرف در منطقه خزر و قفقاز گشود. توافقهایی هم در زمینه افزایش روابط اقتصادی دو کشور انجام شد که اراده لازم برای عملیاتی شدن نداشت. اما با انتقال قدرت از ولادیمیر پوتین به دمتری مدودیف در سال ۲۰۰۸، بار دیگر روابط تهران و مسکو دچار رکود قابل توجهی شد. (کولایی، ۱۳۹۶:

اقتصاد روسیه در دوره پوتین (۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷)

سال	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
شاخص								
تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	۲۵۹/۷۳	۳۰۶/۶۳	۳۴۵/۰۸	۴۳۰/۱۱	۵۸۲/۳۲	۷۶۳/۶۱	۱/۰۷۰/۰۰۰	۱/۲۸۹/۰۰۰
رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)	٪۹/۰	٪۵	٪۴/۷	٪۷/۳	٪۷/۱	٪۶/۴	٪۶/۷	٪۷/۴
تولید سرانه داخلی (دلار)	۱۷۷۲	۲۱۰۰	۲۳۷۴	۲۹۷۴	۴۰۳۷	۵۳۳۲	۶۹۱۰	۸۶۵۰
سرمایه گذاری مستقیم خارجی (میلیارد دلار)	۲/۷۱	۲/۷۵	۳/۴۶	۷/۹۶	۱۵/۴۴	۱۴/۱۸	۶۷/۵۵۸	۷۰/۳
نرخ تورم (درصد)	۲۰/۸	۲۱/۵	۱۵/۸	۱۳/۷	۱۱/۷	۱۰/۹	۹/۰	٪۱۱/۹
مجموع بدهی های خارجی (میلیارد دلار)	۱۵۸/۱۸	۱۵۰/۴۰	۱۴۹/۷۰	۱۸۶/۰۰	۲۱۴/۵۰	۲۵۸/۵۰	۳۰۹/۷	۴۳۱
بدهی خارجی (درصد از تولید ناخالص داخلی)	٪۶۰/۹	٪۴۹/۰	٪۴۳/۴	٪۴۳/۱	٪۳۴/۴	٪۳۳/۹	٪۳۳/۵	٪۳۴
صادرات (میلیارد دلار)	۱۰۵/۳	۱۰۱/۸۸	۱۰۷/۳۰	۱۳۵/۹۳	۱۸۳/۲۱	۲۴۳/۵۷	۳۰۳/۹	۳۵۴
واردات (میلیارد دلار)	۴۴/۸۶	۵۳/۷۶	۶۰/۹۷	۷۶/۰۷	۹۷/۳۸	۱۲۵/۳۰	۱۶۷/۷	۲۲۶
موازنه تجارت خارجی (میلیارد دلار)	+۶۰/۱۷	+۴۸/۱۲	+۴۶/۳۳	+۵۹/۸۶	+۸۷/۱۴	+۱۱۸/۳	+۱۳۹/۹	+۱۲۸

جدول شماره ۲

Current data 2005:7

Movit 2006:93

Russian Economic Indicators:2007

بر اساس اولین تاریخ مورد توافق طرفین، قرار بود نیروگاه اتمی بوشهر در ۱۳۷۸ تکمیل شود اما تاریخ بهره برداری از آن، از جمله به دلیل مناقشه هسته ای ایران، پیوسته به عقب افتاد و راه اندازی این نیروگاه عملاً در سال ۱۳۹۱ ممکن شد. در ادامه دمیتری مدودف، رئیس جمهوری وقت روسیه، فرمان منع فروش موشک های ضد هوایی اس - ۳۰۰ و تسلیحات سنگین دیگر به ایران را امضا کرد. بر اساس دستور رئیس جمهوری روسیه، انتقال مستقیم یا غیرمستقیم هشت نوع سلاح سنگین از جمله تانک، خودروهای زرهی، هواپیماهای جنگی، هلیکوپترهای تهاجمی، کشتی های نظامی و سیستم های موشکی به ایران ممنوع شده است. همچنین هرگونه حضور ایران در طرح های استخراج اورانیوم در روسیه را غیرقانونی اعلام کرده است. این اقدام روسیه که با استناد به قطعنامه تحریمی ۱۹۲۹ سازمان ملل انجام شد، نوعی هماهنگی روسیه با آمریکا و اسرائیل در راستای فشار بر جمهوری اسلامی برای گردن نهادن به این قطعنامه ها تلقی شد.

آقای احمدی نژاد رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران در حاشیه اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای در دیدار دیمیتری مدودف، رئیس جمهور روسیه با اشاره به اهمیت نقش و جایگاه ایران و روسیه در معادلات منطقه‌ای و جهانی بر تقویت و تحکیم همکاری‌های دو کشور در سطوح مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای تاکید کرد. وی با تاکید مجدد بر حق همه کشورها به ویژه ایران در استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای تصریح کرد: ایران همواره مواضع اصولی خود را در خصوص موضوعات مختلف از جمله برنامه هسته‌ای به طور شفاف اعلام کرده و بر مطالبات بر حق و منطقی خود برای بهره‌گیری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای پافشاری کرده و می‌کند. احمدی نژاد با تاکید بر اینکه سلاح هسته‌ای هیچ جایگاهی در دکترین امنیتی و دفاعی کشورمان ندارد، اظهار کرد: ایران بنابر نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی استفاده از سلاح هسته‌ای را حرام و نامشروع می‌داند. رئیس جمهور روسیه نیز با مهم توصیف کردن جایگاه و نقش ایران در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی، گفت: دو کشور با همکاری‌های نزدیک و مشترک خود می‌توانند گام‌های موثری در جهت صلح و امنیت جهانی باشد. با توجه به دیدگاه‌های مشترک ایران و روسیه در مورد امنیت منطقه‌ای و رویکرد ضد آمریکایی مشترک آنها، تهران به دنبال گسترش روابط دفاعی خود با مسکو برای پر کردن این شکاف و رسیدن به اهداف بلند مدت است. این اهداف عبارتند از پیدا کردن جایگاه روسیه در رقابت مسکو با واشنگتن، ترویج "یک راهبرد دفاعی تهاجمی" و همکاری در بخش امنیت منطقه‌ای است. مهمتر از همه، ایران علاوه بر بهره از موارد فوق، از دانش فنی نظامی روسیه هم استفاده می‌کند.

خلیج فارس به منزله صحنه تئاتری است که روسیه می‌تواند در آن قدرت‌نمایی کند؛ قدرت‌نمایی در برابر ابرقدرتی همچون آمریکا که سالهاست در این منطقه حضور دارد. به این ترتیب، رزمایش نظامی مشترک ایران و روسیه در نهایت می‌تواند به عنوان یک کارت برنده دیگر در چانه زنی‌های سیاسی روسیه با واشنگتن باشد. مهم است توجه داشته

باشیم در شرایط کنونی چنین رزمایش مشترکی ممکن است مزایای راهبردی بی درنگی برای ایران فراهم نکند. تهران هم از این امر آگاه است، اما هدف اصلی آن از این رزمایش جلب همکاری روسیه برای ایجاد روابط دفاعی گسترده تر است.

یکی از قابل توجه ترین معامله های میان دو طرف سیستم دفاع موشکی (اس - ۳۰۰) روسیه بود که در سال ۲۰۱۶ به ایران تحویل داده شد. با توجه به فشار خارجی کنونی بر ایران، تنها مسکو باقی می ماند که تهران می تواند برای تامین تجهیزات اسلحه و مشارکت نظامی بر روی آن حساب کند. گر چه مانع این همکاری، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است، اما دو کشور در حال تلاش برای جلوگیری از محدودیت های موجود هستند.

شاید مانع همکاری های نظامی روسیه با ایران بتواند با لغو تحریم های سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۰ با توجه به قطعنامه ۲۲۳۱، که موافقتنامه هسته ای را تایید می کند، برطرف شود.

در واقع، 'دمیتری شوگایف' مدیر خدمات فدرال برای همکاری نظامی و فنی، تاکید کرد که روابط نظامی ایران و روسیه بعد از سال ۲۰۲۰ ممکن است بیشتر شود و همچنین از ابراز علاقه روسیه به همکاری با ایران در زمینه استقرار سپر دفاعی در سواحل خلیج فارس خبر داد.

گسترش همکاری های نظامی پس از سال ۲۰۲۰، یک گسترش نرمال روابط براساس مفاد برجام است. از طرفی در چارچوب برجام بود که در نهایت روسیه سیستم های دفاعی 'اس - ۳۰۰' را به ایران که مدتها منتظر آن بود، تحویل داد. این توافق همچنین راه را برای میزبانی ایران از هواپیماهای روسی در پایگاه هوایی 'نوژه' در غرب ایران فراهم کرد تا به این ترتیب جنگنده های روسی، بمب افکن ها و موشک ها از فضای هوایی ایران برای عملیات در سوریه استفاده کنند.

بنابراین برای مقابله با فشار ایالات متحده با قدرت بیشتر، ایران خواستار تقویت روابط نظامی خود با روسیه پس از برداشته شدن تحریم تسلیحات نظامی در سال ۲۰۲۰ است. در این صورت ایران می‌تواند با درخواست سلاح‌های متعارف‌بیشتر، از جمله جنگنده‌های Su-30 و Su-35، جنگنده‌های سبک یا کلوف‌یوک-۱۳۰، Mi-8 و هلیکوپترهای Mi-17 و تانک T-90 بهره‌بردار. اما ایران ورای واردات اسلحه، می‌خواهد روابط نظامی با روسیه را که شامل همکاری‌های بلندمدت همسو با راهبردهای منطقه‌ای و ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی است، توسعه دهد.

با این حال، قابل توجه است که هر دو طرف گسترش بالقوه روابط دفاعی را با احتیاط دنبال می‌کنند: ایران قصد ندارد به ابزار چانه‌زنی روسیه در مقابل واشنگتن تبدیل شود، به همین ترتیب، مسکو به هیچوجه به ورود به میدان جنگ ایران مقابل ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن در سطحی نامعلوم، علاقه‌ای ندارد. (نوری، ۱۳۹۸)

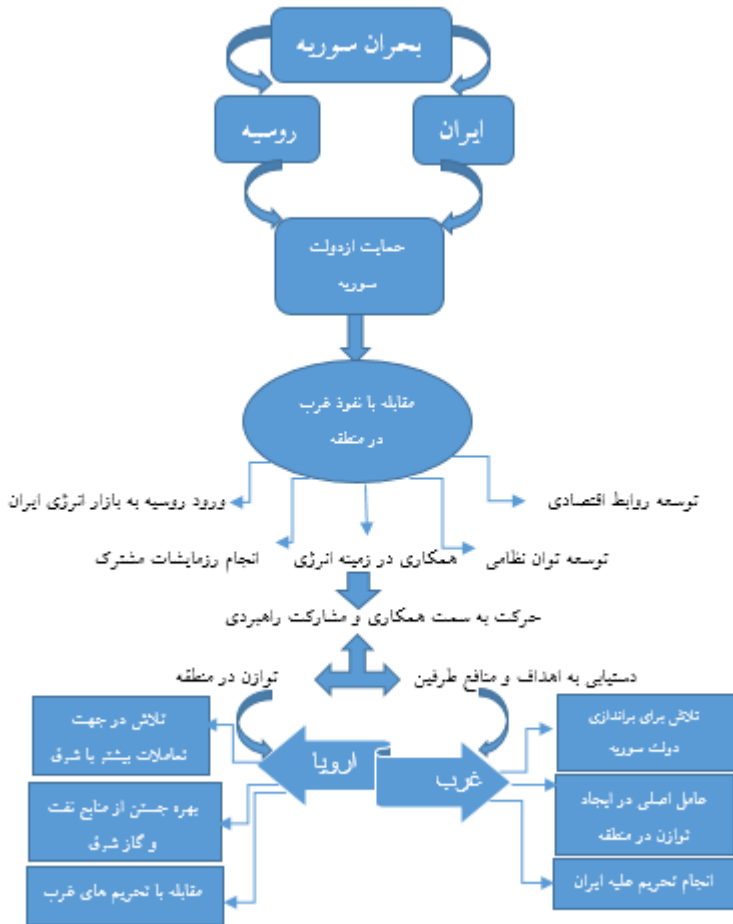
روسیه یکی از مهم‌ترین همکاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حوزه بین‌المللی (همکاری در سازمان‌های بین‌المللی و به ویژه شورای امنیت سازمان ملل)، همکاری منطقه‌ای (همراهی نظامی روسیه با ایران و سوریه در بحران سوریه) و در زمینه تسلیحاتی ایران نقش مهمی را ایفا می‌کند. در واقع ایران با سیاست خارجی مستقل خود تنها دوست خود در میان کشورهای قدرتمند را از دست نداده تا بتواند با انجام همکاری‌های راهبردی رابطه سودمند دوجانبه‌ای را به وجود آورد. (کولایی، ۱۳۹۶: ۱۵۹) اما در این میان و در سالهای اخیر آنچه موجب غیرعادی بودن رابطه مسکو و تهران شده است، منافع مشترک جدید دو کشور می‌باشد. همکاری‌های راهبردی و نظامی هر دو کشور در قبال جلوگیری از پیشرفت ناتو به شرق، مقابله با نفوذ آمریکا در منطقه، حضور نظامی در کشورهایی در تسری بخشیدن به اوضاع آنها مانند افغانستان و سوریه، مقابله با تروریسم در منطقه و انجام رزمایش مشترک دریایی اشاره نمود. متأسفانه با وجود همکاری‌های راهبردی-نظامی-امنیتی و با خرید تسلیحات نظامی از روسیه افزایش توان و تجهیزات نظامی و آموزش‌های

فنی و نظامی بسیار موجب نزدیکی میان تهران و مسکو گردیده است اما تهران نتوانسته برای توسعه همکاری های تجاری و اقتصادی و صنعتی علمی خود قدمی بزرگ تر بگذارد و این روابط را به سمت قابل مشاهده ای پیش ببرد.

از آنجایی که سیاست خارجی هر دو کشور مبتنی بر اصل هزینه و فایده و شراکتی مستحکم است برای هر دو طرف فایده و منافع بیشتر و هزینه کمتر از ارزش بالاتری برخوردار می باشد. با این حال دو دسته عوامل داخلی و خارجی موانع اصلی موجود بر سر راه گسترش همکاری های دو کشور می باشد.

۱- نبود همپوشانی اقتصادی و اقتصاد های وابسته ایران روسیه به صادرات انرژی و دولتی بودن

۲- اقتصاد دو کشور و تفاوت های فرهنگی و اجتماعی مانع گسترش روابط اقتصادی و نیز روابط سیاسی دو کشور می شود و علاوه بر آن حضور غرب و فراز و نشیب های روابط روسیه و ایران با غرب از موانع گسترش همکاری های ایران و روسیه است. در این میان غرب عاملی موثر بر روابط ایران و روسیه به شمار می رود. اثر این روابط به شکل مستقیم و غیر مستقیم قابل درک و رویت می باشد. از سویی روسیه با اعتقاد به دشمن مشترک، خواستار روابط مسالمت آمیز و پرسود با غرب می باشد، در حالی که ایران غرب را دشمنی پایان ناپذیر می داند و همین مسئله موجب طنین افکنی سایه بدبینی و زنده کردن خاطرات تلخ در روابط ایران و روسیه است. غلبه بر تأثیرات منفی غرب در روابط میان ایران و روسیه و حضور غرب به عنوان عاملی تاثیر گذار در روابط میان تهران و مسکو مسئله ساده ای نیست که از آن بتوان به راحتی صرف نظر کرد.



شکل شماره ۵: همکاری ایران و روسیه در سوریه: تسری در همکاری و مشارکت راهبردی

۵- پیشنهادات و چشم انداز همکاری های متقابل در آینده منطقه:

چنانچه در مباحث پیشین نیز بدان اشاره شد منافع و مصالح هر کشوری در اولویت سیاست خارجی آن کشور و دولت قرار دارد و ایران نیز از این امر مستثنی نیست. بر اساس تلفیق دیدگاه اجماع و سازگاری در تبیین تصمیم گیریها، می توان گفت تصمیمات ایران در قبال روسیه تلفیقی از اجماع و سازگاری و سیاست خارجی آن بر مبنای عمل گرایانه و

همکاری میان ایران و روسیه همکاری می باشد. همچنین، سیاست ایران در منطقه از سوی تحلیلگران غرب به عنوان سیاست حفظ وضع موجود و سیاست عملگرا یاد شده است. سباستین پیروس صراحتاً به عملگرایی ایران اشاره کرده و آن را فاقد ایدئولوژیک به منطقه دانسته است. (Peyrouse, 2014: 2) از مهمترین عواملی که باعث همکاری راهبردی میان ایران و روسیه شده است، حضور نظامی هر دو کشور در سوریه است و منافع مشترک جدی دو کشور در مقابله با نفوذ آمریکا در منطقه و آنچه موجب شده تا حضور ایران و روسیه تا حال در سوریه باقی باشد، فائق آمدن بر اختلافات راهبردی دو کشور در مورد آینده سوریه و منطقه می باشد.

بیشتر همکاری ها بر اساس موفقیت و امکان پذیری بر کسب منافع ملی است و آنچه در سیاست خارجی ایران حائز اهمیت می باشد، حفظ استقلال در سیاست خارجی و کسب منافع بیشتر و عدم دخالت دیگر کشورها در سیاست داخلی و خارجی آن است و تمام تلاش ایران در روابط خود با روسیه به دست آوردن همکاری در مسیر اتحاد استراتژیک است. و همچنین روسیه با حفظ استقلال و تمامیت ارضی خود و تلاش برای رسیدن به هژمون جهانی عواملی چون گسترش ناتو به شرق گسترش اسلام گرایی افراطی، قدرت یابی ترکیه و چین در منطقه، تهدیدهای نظامی و امنیتی از سوی غرب و اروپا، تحریم ها و تهدیدهای اقتصادی از غرب، درگیری های مسلحانه منطقه ای، وضعیت آشفته مرزها و تشکیل اتحادیه های نظامی و ساخت سلاح های هسته ای و کشتار جمعی را موارد تهدید آمیز جهت حفظ قدرت و مصالح و منافع خویش در منطقه و جهان می داند که برای حل این تهدیدات در منطقه هیچ کشوری برای او مانند ایران از این امتیاز برخوردار نمی باشد و با ایجاد اتحاد و همکاری با جمهوری اسلامی ایران به عنوان شریک راهبردی توان مقابله و ایجاد توازن در منطقه را برای حل تهدیدهای نامبرده را در خود می بیند. و این مهم کسب نمی گردد مگر با چشم اندازی واقع بینانه نسبت به منافع مشترک طرفین و تلاش در جهت گسترش و حل مناقشات و اختلافات طرفین. همکاری های راهبردی پلی برای رسیدن

اتحادی استراتژیک میان ایران و روسیه است، که برای رسیدن به آن در قدم اول باید برای حل اختلافات راهبردی میان ایران و روسیه، حل اختلافات هسته‌ای چاره‌ایی اندیشید. هرگاه و هر زمانی که ایران و روسیه بتوانند بر سر توافقات هسته‌ای به یک اجماع دست یابند گامی موثر در همکاری و اتحاد استراتژیک نهادند و عاملی جهت نزدیکی بیشتر میان دولت و ملت ایران و روسیه فراهم شده است. از همه با اهمیت تر از بین بردن دیدگاه منفی مردم هر دو کشور نسبت به هم است که با نزدیکی فرهنگی‌ها و باورهای هر دو کشور می‌توان به این مهم دست یافت.

و آنچه برای روسیه در سیاست خارجی و اتحاد استراتژیک نه تنها با ایران بلکه با هر کشوری در اولویت قرار دارد رامی‌توان در مواردی چون، تداوم حضور خود در منطقه، مخالفت با حاکمیت‌های متخاصم، جلوگیری از ممانعت از نفوذ دیگران، حفظ منافع ملی و امکانات در اختیار داشته، دفاع از حقوق روس تباران، انجام همکاری‌های دو جانبه و چند جانبه، اصالت دادن به منافع روسیه، حفظ جامعه مشترک المنافع، رهبری بدون کنترل مستقیم و سیاست‌های معبری می‌باشد و از این رو برای حفظ موارد یاد شده آنها را در زمره اصلی سیاست خارجی خود و اسناد خویش قرار داده است.

با توجه به موقعیت ایران در منطقه از نظر جغرافیایی و ژئوپلیتیک ایران امن‌ترین کشور برای حفظ منافع و خواسته‌های روسیه در منطقه می‌باشد. ایران پلی ارتباطی میان شرق و غرب و ارتباطی میان دریای خزر تا آب‌های گرم می‌باشد و بهترین گزینه برای طرح انتقال گاز از دریای خزر به دریای عمان است. این نوع همکاری‌های ژئوپلیتیکی موثر نمی‌گردد مگر با از بین رفتن تنش‌های طرح‌های معبری میان ایران و روسیه.

حضور غرب و مساله تحریم‌های اعمال شده و مخالفت آمریکا با ایجاد رابطه و ارتباط میان دو کشور ایران و روسیه مسئله مهمی در تحکیم روابط دو ما به طوریکه مقامات آمریکایی دائما این احتمال را به هم‌تایان روسی خود گوشزد می‌کنند که رنجش تاریخی ایران از روسیه ممکن است روزی خود روسیه را مورد هدف قرار دهد. (Katzmam,)

3:2001) بی شک چنین سطح نگرش هایی عاملی در بی اعتمادی و تیره شدن روابط و به وجود آمدن باورهای تردید آمیز میان طرفین میگردد و بازدارنده ای در به وجود آمدن اتحادی استراتژیک. تحریم های اعمال شده از غرب عاملی شد تا بخشی از همکاری ها در زمینه فناوری تسلیحات دو کشور معلق بماند و با تحریم کردن شرکت های روسی و موسساتی که با ایران همکاری می کردند بر فشارهای همکاری های دوجانبه افزایش بیشتری وارد آید.

روس ها خوب دریافته اند که اگر بخواهند بر سر معامله ایران با آمریکا به توافق برسند نه تنها پیروز نیستند بلکه ایران را به سمت استقلال بیشتر سوق داده اند و همین امر میزان ارتباط دو کشور را از میان خواهد برد، برای روسیه بازار ایران بهترین بازار اقتصادی و نظامی است و همین امر باعث شده تا روسیه در قبال غرب در جریان پرونده هسته ای ایران همراهی بی چون و چرا نداشته باشد. اما ایران نیز این را می داند که همکاری با روسیه برای او دارای منفعی می باشد که برخاسته از دو عامل است: اول، تحریم های پیش گفته شده و دوم، هزینه های پایین انتقال فناوری نسبت به سایر کشورها. (رنجبر، ۱۳۸۳: ۷)

اما یک نکته در روابط میان ایران و روسیه که در آینده منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است و باید به آن توجه بیشتری شود سطح پایین روابط اقتصادی-تجاری و بالابردن سطح این روابط است. روابط بازرگانی و تجاری ایران و روسیه به نسبت ۱ به ۲۰ است، روابط اقتصادی ما با روسیه در حدود سالانه ۴ میلیارد دلار است که در مقایسه با روابط اقتصادی اسرائیل و ترکیه رقم پایین و چشم گیری نیست. این در حالی است که ایران دومین شریک نظامی روسیه بعد از چین و حتی هند است. به دلیل فاصله کم دو کشور، صادرات کالاهای ایرانی به بازار مصرف روسیه از هزینه بسیار کمی برخوردار است و می تواند قیمت آنها را در مقایسه بر سایر کالاهای وارداتی به روسیه پایین نگه دارد و بر قدرت این محصولات در بازار اقتصادی روسیه افزایش دهد و نقش پررنگی را بر صادرات ایران داشته باشد.

مقدار صادرات ایران به روسیه در سالهای مختلف هیچگاه به یک میلیارد دلار نرسیده است. بنابراین بازار روسیه برای کالاهای ایران محدود بوده و مازاد بر مصرف کشور در بازارهای دیگری که طی سالیان دراز از ثبات نسبی برخوردار بوده صادر میشده است. صادرات ایران به روسیه در سال ۱۳۹۳ برابر ۲۸۶ میلیون دلار بوده که، هفتاد و هشت صدم درصد از کل صادرات ایران را تشکیل می دهد. سهم ایران از کل واردات روسیه، نه صدم درصد بوده است. روسیه در سال ۲۰۱۴ حدود ۳۰۸ میلیارد دلار کالا وارد کرده است که ۱۳٪ آن را محصولات کشاورزی تشکیل میدهد. در سال ۱۳۸۳ صادرات ایران به روسیه ۱۷۷ میلیون دلار بود که سهمی برابر دو دهم درصد از کل صادرات ایران را تشکیل میداد. در سال ۱۳۹۳ کل مقدار صادرات ایران نسبت به سال ۱۳۸۳ حدود ۵/۳ برابر افزایش یافته است در حالی که طی این ده سال صادرات ایران به روسیه فقط حدود ۶۰ درصد افزایش داشته است.

تاریخ به روز رسانی
فروردین ۱۳۹۸

مبادلات تجاری ج.ا. ایران و روسیه از سال ۱۳۸۶ لغایت ۱۱ ماهه اول ۱۳۹۷

ارزش: میلیون دلار

سال	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۱ ماهه اول ۱۳۹۷
صادرات	۳۶۷	۳۵۸	۳۴۲	۳۴۰	۳۷۰	۵۰۱	۳۱۵/۶	۲۹۴	۱۷۳	۲۱۹	۲۴۷
واردات	۸۶۶	۱۱۹۳	۹۰۸	۴۳۳	۷۵۹	۱۶۳۱	۶۸۸/۵	۶۳۹	۵۱۷	۱۵۴۴	۱۱۴۰
تراز تجاری	-۴۹۹	-۸۳۵	-۵۷۶	-۱۰۳	-۳۸۹	-۱۱۳۰	-۳۷۱/۹	-۳۴۵	-۳۴۴	-۱۳۲۵	-۳۳۰
تجارت خارجی	۱۲۳۳	۱۵۵۱	۱۴۴۰	۷۶۳	۱۱۲۹	۲۱۳۲	۱۰۰۵	۹۳۳	۶۹۰	۱۷۶۳	۱۳۸۷

جدول شماره ۲

منبع: سازمان توسعه تجارت ایران

برای بالابردن حجم صادرات به روسیه و گسترش روابط اقتصادی باید در ابتدا بازار خود را در روسیه جستجو کرده و موارد مورد نیاز روسیه را با توجه به توانایی تولید و در

نظر گرفتن شرکایی که در بازارهای اقتصادی روسیه هستند به دست بیاوریم. از جمله مسیرهایی که می تواند روابط اقتصادی میان ایران و روسیه را گسترش دهد اتاق مشترک بازرگانی میان دو کشور است که می تواند تغییری ساختاری در تجارت میان طرفین ایجاد نماید و از دیگر روش ها می توان به افزایش صادرات و ایجاد ظرفیت های جدید در بخش تولید اشاره نمود که علاوه بر تامین نیازهای داخلی، با توجه به در نظر گرفتن کیفیت بالا مازادی برای صادرات به روسیه باشد. روند افزایش تولید نیازمند سرمایه گذاری و حمایت و برنامه ریزی داخلی دارد که با توجه به ظرفیت های هر بخش زمان خاص خود را می طلبد. عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا فرصتی استثنایی را برای تجار ایران فراهم ساخته تا بتوانند نقشه راه تجاری بلند مدتی را برای بالابردن سودآوری و تجارت ترسیم کنند. با حذف قوانین دست و پا گیر گمرکی برای تجار و سرمایه گذاران و با نگرشی درست و دقیق می توان افت و خیزهای گذشته اقتصادی را بهبود و حضوری پررنگ در بازارهای کشورهای شمالی ایفا نمود. همچنین این کشورها نیز فرصتی برابر برای حضور در بازارهای ایران را کسب کرده اند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، اردیبهشت ۹۹) و اما به این نکته هم باید توجه داشت سیاست های روسیه در قبال ایران ابزاری و بی ثبات است و به دلیل انعطاف پذیری روسیه در مقابل غرب نمی توان به روابطی کاملاً دوجانبه اشاره نمود و باید با نگاهی محتاطانه در جهت پیشبرد اهداف و کسب منافع بیشتر قدم نهاد.

نتیجه گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شوروی اولین کشوری بود که خواستار برقراری روابط دوستانه و دیپلماتیک با ایران شد. جمهوری اسلامی با حفظ اصول و بنیادهای آغازین خود، استقلال در سیاست خارجی، حفظ تمامیت ارضی، گسترش منافع ملی ارتباط جانبی با همسایه شمالی خود روسیه را آغاز نمود. هرچند که این ارتباط در دهه هایی با فراز و نشیب ها، چالشها و فرصتها، تیرگی ها و کدورت هایی همراه بوده است اما آنچه حائز اهمیت

می‌باشد دستاوردهایی است که بر اساس اصول و اهداف جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی در تعامل و ارتباط با روسیه به دست آمده است و در چشم انداز آتی خود به گسترش این روابط و کسب منافع بیشتر می‌اندیشد.

از جمله این دستاوردها می‌توان به همکاری‌های دوجانبه در پیشرفت در صنعت هسته‌ای و توافقات صلح آمیز هسته‌ای نام برد هرچند توافقات روسیه با ایران بیشتر در جهت مهار و کنترل ایران در ساخت سلاح‌های هسته‌ای و نظارت بیشتر بر آن می‌باشد اما باید توجه داشت که ایران در اردیبهشت ۱۳۹۰ توانست به غنی‌سازی اورانیوم دست یابد و همین عامل موجب تیرگی روابط میان ایران و روسیه و حیرت غرب و اروپا نسبت به فن‌آوری ایران گردید و از آن پس تحریم‌هایی از جانب غرب متوجه ایران گردید و پس از امضای برجام و توافقات صلح آمیز هسته‌ای از جانب ایران و قبول آن و حمایت روسیه در سازمان ملل از فن‌آوری صلح آمیز ایران تحریم‌ها و فشارهایی نیز بر روسیه اعمال گردید. با شروع و تحمیل تحریم‌های اعمال شده بر ایران و روسیه همکاری‌های منطقه‌ای دو کشور شکل تازه‌ای به خود گرفت.

با توجه به رویداد ۱۱ سپتامبر و گسترش گروه‌های سلفی و تروریستی در منطقه نقطه عطف و شروعی از همکاری‌های راهبردی نظامی و امنیتی دو کشور در منطقه آغاز گردید که می‌توان به حضور نظامی هر دو کشور در سوریه و افغانستان اشاره نمود. تلاش هر دو کشور در جهت بازدارندگی کلان در برابر آمریکا عاملی در جهت حفظ منافع ایران شد و این حضور نظامی دو کشور در منطقه موجب بازدارندگی از گسترش گروه‌های سلفی و تروریستی و مبارزه با آنها و تلاش در جهت رسیدن به همکاری‌های استراتژیک خود عاملی در جهت پایدار ماندن و قدرت یافتن ایران در منطقه گردیده است. پس از انقلاب اسلامی دیدگاهی در سیاست خارجی به وجود آمد که بر اساس آن کشوری می‌تواند در نظام بین‌الملل پایدار و مقتدر باشد که بتواند به حفظ استقلال و حفظ الگوهای اجتماعی و سیاسی خود و همکاری‌های استراتژیک با کشورهای منطقه در جهت حفظ منافع خود

همکاری نمایند. از دیگر دستاوردهای به دست آمده از ارتباط جمهوری اسلامی ایران با روسیه روابط دیپلماتیک دو جانبه است که در دهه های مختلف فراز و نشیب های متفاوتی را داشته و خوشبختانه در سال های اخیر این روابط رو به گسترش و بهبود بوده است. بر خلاف پیشینه تاریخی و اذهان منفی دو طرف نسبت به تاریخ و گذشته روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران با کاربست مهارت دیپلماتیک خود در سوق دادن روسیه در راستای دست یابی به منافع خود به طور نسبی تأثیرگذار بوده است و در پی این روابط روسیه تلاش خود را برای موازنه گری در سطح منطقه ای در مفهوم عام و تبدیل نظام تک قطبی به نظام چند قطبی که هدفی جز تامین امنیت و ثبات منطقه نیست رهنمون ساخته است. و این خود عاملی بر کسب منافع دو طرف است، آنچه در عصر حاضر موجب تحکیم بیشتر روابط و به وجود آمدن اتحادی استراتژیک میان دو کشور ایران و روسیه است تحقق و پیوندهای اقتصادی است که خوشبختانه با پیوستن ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا و چشم اندازهای این اتحادیه نسبت به کشورهای عضو و ایجاد بازار اقتصادی عادلانه دو طرف موجب شکوفایی و رشد روابط اقتصادی خواهد شد و این مهم از دستاوردهای مهم ایران در سال های اخیر نسبت به کشور روسیه و بالاخص روابط اقتصادی فی مابین می باشد. در آخر این نکته قابل ذکر است که برای هر کشوری گسترش منافع ملی آن در اولویت سیاست خارجی قرار دارد و این مهم کسب نمی گردد مگر با گسترش روابط اقتصادی و گسترش تولیدات داخلی و صادرات مازاد آن بر کشورهای دیگر. و خود عامل مهمی بر مقتدر شدن و پایدار ماندن در نظام بین الملل است.

منابع

- ۱) اسپوزیتو، جان‌ال (۱۳۹۰). انقلاب اسلامی ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۲) اسکندری، حسین (۱۳۷۷). «نقش مشارکت سیاسی در کاهش بحران روانی»، مجموعه مقالات، گردآورنده علی اکبر علیخانی، تهران: نشر ابلاغ.
- ۳) افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱). ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی ج.ا.ا، تهران: دوره عالی جنگ سپاه.
- ۴) آقابخشی، علی (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار.
- ۵) ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶). روابط خارجی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰، تهران: نشر قومس.
- ۶) ایوانف م.س (۱۳۹۲). نگاهی به تاریخ ایران از عصر باستان تا روزگار معاصر، ترجمه محمد نائب پور، تهران: نشر نگاه گستران فردا.
- ۷) اندرز زمانی، جلال (۱۳۷۷). «اسناد پیمان نظامی و دفاعی ایران و آمریکا ۱۳۷۷ و عکس العمل دولت شوروی»، مجله تاریخ معاصر ایران، شماره ۶.
- ۸) امینی، علیرضا (۱۳۸۱). تاریخ روابط خارجی ایران در دوره پهلوی، تهران: انتشارات صدای معاصر، چاپ اول.
- ۹) خواجه سروری، غلامرضا و دیگران (۱۳۹۱). «ظرفیت الگو سازی انقلاب اسلامی ایران به انقلاب های اخیر در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳، صص ۱۶۰-۱۳۵.
- ۱۰) زندی رضوی، سیامک (۱۳۸۱). «نخبگان و وفاق اجتماعی، دولت مردم و همگرایی»، مجموعه مقالات، گردآورنده محسن فردرو، جلد دوم، تهران: نشر آن.
- ۱۱) سلطانی، علی (۱۳۷۹). دیدگاهها: همایش رقابت سیاسی و امنیت ملی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- ۱۲) سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۳). اصول روابط بین الملل الف و ب، تهران: نشر میزان.
- ۱۳) صادقی، محسن (۱۳۹۷). «سیاست خارجی روسیه در قبال ایران در دوره پوتین بعد از سال ۲۰۱۲»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال ۱۱، شماره ۴۱، صص ۸۹-۱۱۶.

- ۱۴) طاهری، سید مهدی (۱۳۸۷). نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهان اسلام، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲۴۸.
- ۱۵) فونتن، آندره (۱۳۶۶). تاریخ جنگ سرد، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر نو.
- ۱۶) فولر، گراهام (۱۳۷۳). قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- ۱۷) فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۹). رهیافت نظری بر انقلاب اسلامی، قم: انتشارات معارف.
- ۱۸) قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۹) کرمی، جهانگیر (۱۳۸۸). روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه (عصر نوین همکاریها)، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲۰) کرمی، جهانگیر (۹۷۸۸). «سیاست اوراسیایی ایران، انقلاب اسلامی و سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی. سال ۳۲، شماره ۴، صص ۲۰۰-۱۵۹.
- ۲۱) کولایی، الهه (۱۳۸۴). بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲۲) کولایی، الهه (۱۳۹۶). «فراز و فرود روابط ایران و روسیه ۲۰۱۶-۱۹۹۰»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، شماره ۴۰، صص ۱۶۴-۱۳۵.
- ۲۳) کولایی، الهه و علیزاده، شیوا (۱۳۹۵). جستارهای پیرامون مسائل دریای خزر، تهران: مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی وزارت امور خارجه.
- ۲۴) گامر، موشه و دیگران (۱۳۷۷). باروی شمال قفقاز، دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز، ترجمه سید غلامرضا تهامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۵) گنج بخش زمانی محسن، (۱۳۸۶). «تحلیل اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و چارچوب اهداف و استراتژی کلان متفقین (انگلیس و شوروی)»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۳۰.
- ۲۶) مقتدر، هوشنگ (۱۳۵۸). مباحثی پیرامون سیاست بین الملل و سیاست خارجی، تهران: انتشارات دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی.

- ۲۷) منتظری، حمید رضا (۱۳۹۳). «بررسی روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۲۰)»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال ۱۵، شماره ۵۹-۵۸، صص ۲۰۵-۱۷۱.
- ۲۸) معین، محمد (۱۳۸۳). فرهنگ سیاسی، چاپ ۲۳، جلد ۲، تهران: امیر کبیر.
- ۲۹) مجموعه مقالات (۱۹۶۱). تاریخ روابط سیاسی روسیه تا قرن ۱۷، مسکو: انتشارات فرهنگستان علوم شوروی.
- ۳۰) مجتهد زاده، پیروزو همکاران (۱۳۸۶). «تحلیل و بررسی همپوشی سیاست خارجی ج.ا.ا در تعامل با جمهوری آذربایجان با واقعیت های ژئوپلتیک»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۲۲۵-۲۱۳.
- ۳۱) نظامی پور، قدیر (۱۳۸۲). «آثار سیاست های منطقه ای روسیه بر امنیت ملی ج.ا.ا»، فصلنامه مطالعات خاور میانه، سال ۱۰، شماره ۳، صص ۳۲-۱.
- ۳۲) نوری، علیرضا (۱۳۸۹). سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین (اصول و روندها)، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین، مرکز مطالعات راهبرد بین الملل.
- ۳۳) هرتزیک ادموند (۱۳۷۵). ایران و حوزه جنوبی شوروی سابق، ترجمه کاملیا احتشامی اکبری، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- ۳۴) هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۰). «ارزیابی سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی دوم»، مجله علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره ۱۶.
- ۳۵) هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۹). تاریخ روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی، تهران: امیر کبیر.
- ۳۶) ایراس
- ۳۷) خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران
- ۳۸) سازمان توسعه تجارت ایران
- ۳۹) روزنامه صمت

40) www.smtnews.ir/trade/foreign-trade

41) Hanrieder, Wolfram. (1967). "Compatibility and Consensus: A Proposal for the Conceptual Linkage of External and Internal Dimensions of Foreign Policy". American Political Science Review, Vol. 61(4).

- 42) Kasting, Nori & Brandon Fite. (2012). U.S. and Iranian Strategic Competition, The Impact of China and Russia. available at: www.csis.org/analysis/us-and-iranian-strategic.
- 43) Katz Mark N. (2002), Russian-Iranian Relations in the Putin Era, *Demokratizatsiya*, Vol. 10, No. 1, Winter.
- 44) -Herzig, Edmund (2004), Regionalism, Iran and Central Asia, in: (<https://www.researchgate.net/publication/227723934>).
- 45) Peyrouse, Sebastien (2014), Iran's Growing Role in Central Asia? Geopolitical, Economic and Political Profit and Loss Account, 6 April 2014, in:<http://studies.aljazeera.net/en/dossiers/2014/04/2014416940377354>
- 46) Nye, Joseph. S (2010). *The Future of Soft Power in US Foreign Policy*, edited by: Parmar, Inderjeet and Michael Cox, New York: Rutledge.